



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2022, 3(2): 93-100

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Wife's Right to Determine Residence

Halimeh Babajanian Bishe¹  Ali Akbar Izadi Fard^{*2}, Ali Faghihi³

Received:

17 Apr 2022

Revised:

05 May 2022

Accepted:

24 May 2022

Available Online:

22 Jun 2022

Keywords:

Right of Residence,
Wife,
Law.

Abstract

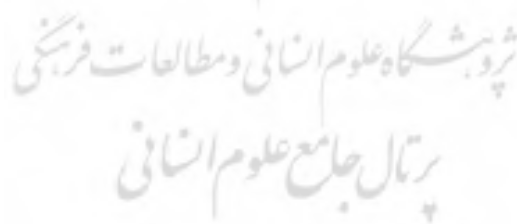
Background and Aim: The purpose of this study is to investigate the right of residence of wife.

Materials and Methods: The method of this research is descriptive-analytical one. The information and materials of the research have been theoretically collected in a library method and have been rationally analyzed and concluded.

Ethical Considerations: Ethical considerations have been observed in writing this article.

Findings: If the wife does not make a condition for (Right of Residence) with the husband during marriage, then the wife must follow the husband here, but when the husband determines a place for inhabitation that is not suitable for wife, she may determine the residence.

Conclusion: If the wife put conditions like the right of residence for herself during the marriage contract, or if there is a necessity for the woman, she will have the right to choose a dwelling.



1 PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2 Professors, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Humanity, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding Author) Email: Ali85Akbar@yahoo.com Phone: +981135303565*

3 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

*Please Cite This Article As: Babajanian Bishe, H; Izadi Fard, AA & Faghihi, A (2022). "Wife's Right to Determine Residence". *Interdisciplinary Legal Research*, 3 (2): 93-100.*



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۹۳-۱۰۰)

حق تعیین مسکن توسط همسر

حلیمه باباجانین بیشه^۱، علی اکبر ایزدی فرد^۲، علی فقیهی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران، بابل، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Ali85Akbar@yahoo.com

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی حق سکونت زن است.

مواد و روش‌ها: روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است. روش تحقیق به لحاظ اهمیت از نوع تحقیقات بنیادی شمرده می‌شود. اطلاعات و مواد اولیه تحقیق بنیادی به صورت نظری و به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش این مقاله ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

یافته‌ها: اگر زن در ضمن عقد نکاح شرطی برای (حق سکونت) با مرد نگذارد، در اینجا طبیعتاً زن باید تابع مرد باشد؛ ولیکن وقتی که وارد زندگی مشترک می‌شود، زوج هم برای سکنی محلی را تعیین می‌کند که باب طبع زن و مکان مناسبی برای زندگی نمی‌باشد خواه از لحاظ محیطی باشد یا غیره، در چنین شرایطی اگرچه بر اساس احکام اولیه زن تابع مرد است اما در مواردی این حکم قید خورده و اختیار سکونت با زن می‌شود.

نتیجه‌گیری: اگر زن در ضمن عقد نکاح حق سکونت را برای خود شرط کند یا اضطراری از این حیث برای زن وجود داشته باشد، حق انتخاب مسکن را خواهد داشت.

کلمات کلیدی: حق تعیین مسکن، همسر، حقوق.

مقدمه

۱- بیان موضوع

بی‌تردید خانواده، بناء اساسی جامعه و هسته اولیه وجود آن است؛ زیرا جامعه چیزی جز افرادی که در آن زندگی می‌کنند نیست. در حقیقت، خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. اسلام، به منظور حفظ و بقای خانواده تکالیف و مسؤولیت‌هایی را متوجه هر یک از زن و شوهر نموده که در صورت عمل به آنها کانون خانواده کمتر دستخوش اختلالات و ناملایمات خواهد شد. ولی اگر یکی از دو طرف یا هر دوی آنها از تعهدی که پیوند زناشویی بر دوش آنها گذاشته خارج شوند، رونق و صفا از محیط زندگی رخت بر بسته و درگیری و نابسامانی جایگزین آن خواهد شد. ناگفته نماند هر جا وظیفه و تعهدی وجود دارد در کنار آن هم حقی قرار داده شده است.

باتوجه به مراتب فوق ابهاماتی در ذهن ایجاد می‌شود که اگر در نظام اسلام، زن مطابق حکم شرعی تابع مرد است، مانند: حق سکونت، حال اگر زنی با یک مردی ازدواج کرد که از دو شهر مختلف هستند، شرطی برای سکونت در ضمن عقد نگذارد، از آنجا که علی القاعده زن تابع مرد است، زن نتواند در شهری که محل سکنی مرد است به دلایل شرایط جسمی و روحی زندگی کند، حالیه با وجود چنین اوضاع آیا زن بر اساس اراده خود و با توجه به مصلحت، برای حق سکونت می‌تواند از اختیار شخصی خود برخوردار باشد و تابع مرد نباشد؟ و اگر در نظام خانواده اختیاری دارد محدوده قلمرو اختیارات او تا چه اندازه‌ای است.

۲- تبیین مفاهیم

۱-۲- حق سکونت

در تعریف مفهومی حق سکونت گفته شده: حق سکونت، از جمله حقوق بشر شمرده می‌شود و در اعلامیه حقوق بشر هم آمده است. هر انسانی حق دارد بر روی کره زمین مکانی را

برای زندگی انتخاب کند؛ زیرا خداوند انسان را چنان آفریده که به مسکن نیاز دارد. از طرف دیگر، طبیعت پیرامون او را نیز طوری آفریده و شرایط را به گونه‌ای فراهم ساخته تا انسان بتواند برای خود مسکن تهیه کند. اگر خداوند انسان را مانند جمادات آفریده بود که نیازی به مسکن نداشت و از سوی دیگر، طبیعت را اینگونه نیافریده بود، منشاء اعتبار حق مسکن قابل تبیین نبود. (مصباح یزدی، بی‌تا: ۵۸/۱) در حقوق ایران به تبعیت از فقه امامیه اختیار تعیین مسکن بعد از عقد نکاح با مرد است. هر منزلی را که شوهر تعیین کرد، زن موظف است که در آن خانه زندگی نماید. البته این موضوع از حقوق زوج محسوب می‌شود؛ لذا اگر در ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم دیگری شرط شود که تعیین مسکن در اختیار زوجه باشد، مانعی ندارد. به هر حال، تعیین مسکن از جمله حقوق شوهر است، ولی در مواردی اختیار تعیین مسکن از شوهر گرفته شده که در فقه و قانون مدنی به آن موارد اشاره شده است. (طاهری، ۱۴۱۸:

۲۱۱/۳)

۲-۲- عسر و حرج در نکاح

عسر در لغت معنای تنگی و دشواری، فقر و تهیدستی (معین/ذیل کلمه) و حرج نیز در معنایی مشابه عسر یعنی تنگدستی و سختی (سیاح، ۱۳۷۳: ۲۸۴/۱) و در اصطلاح فقهی و حقوقی معنای منظور از این قاعده این است که تکالیفی که موجب مشقت و سختی برای مکلف است در دین وجود ندارد.

۳- روش تحقیق: پژوهش حاضر به روش تحلیلی-توصیفی، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

بحث و نظر

۱- اصل اولیه در سکونت زن

سکونت زوجین در منزل مشترک در ایام نکاح بر مبنای ادله فقهی و مبنای قانونی مورد استدلال فقهاء و حقوق دانان قرار

گرفته است. هدف اصلی نکاح تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر بودن است که بخش عمده‌ای از سکونت و اطمینان و ارتباط عاطفی و صمیمی از اینجا سرچشمه می‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۲۱) لذا بر مرد واجب است که برای همسر خود سکناى مناسب تدارک ببیند و بر زن واجب است که در خانه‌ای که از سوی همسر تهیه شده سکونت پذیرد. مهم‌ترین مبنای سکونت زوجین در منزل مشترک، آیه ۶ سوره طلاق است: «**أَنَّهُمَا رَا هَر جَا خُودَتَانِ سَكُونَت دَارِيْد و دَر تَوَانِيِي شِمَاسْت سَكُونَت دَهِيْد و بَه أَنَّهُمَا زِيَان نَرَسَانِيْد تَا كَار رَا بَر أَنَان تَنگ كَنِيْد و مَجْبُور بَه تَرَك مَنزَل شُوند.**» این آیه اگرچه در مورد زنان مطلقه است، اما موضوع آن از باب تدارک مسکن برای همسر مطلقه در دوران عده، به اعتبار وجوب و ادامه این وظیفه از دوران زندگی مشترک و مسالمت‌آمیز به دوران عده طلاق رجعی است. یعنی در زمان عده هم سکنی و هم نفقه زن، همچون سابق بر گردن مرد می‌باشد. آیه دیگر که بر این موضوع دلالت دارد آیه ۱۹ سوره نساء است که خداوند در این آیه می‌فرماید: «**عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ**» یعنی با زنان خود حسن معاشرت در حدود متعارف داشته باشید. یکی از مصادیق معروف، تدارک سکناى مناسب برای زندگی مشترک زناشویی است که در این صورت بر زن واجب است در منزلی که شوهر فراهم ساخته سکنی گزیند ولو اینکه در محل تولد و نشو و نمای خود نباشد و اگر امتناع نماید مستحق نفقه نخواهد بود و این امتناع از مورد نشوز زن محسوب می‌شود.

در قانون مدنی، موادی وجود دارد که به مسکن و سکونت مشترک زوجین اشاره دارد. از جمله مواد ۱۱۰۳، ۱۰۰۵ و ۱۱۰۷ ق.م. قانونگذار در ماده (۱۱۰۷ ق.م) مقرر می‌دارد: «**نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل.....**» در این ماده نیز هرچند به صراحت صحبت از سکونت مشترک نیست، اما عرفاً مرد همسرش را در همان منزلی سکونت می‌دهد که خود نیز در آنجا سکونت

دارد و کمتر موردی پیش می‌آید که جدا از یکدیگر زندگی کنند. مطابق ماده (۱۱۱۴ ق.م) نیز زن باید در منزلی که شوهرش تعیین می‌کند، سکنی نماید مگر این که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد. هرچند در این ماده اشاره نشده که این منزل لزوماً همان منزلی است که زوج در آن سکونت دارد، اما با در نظر گرفتن ماده (۱۱۱۵ ق.م) متوجه خواهیم شد که این منزل، همان منزلی است که زوج در آن سکونت دارد. (رضی و رامشی، ۱۳۹۶: ۱۰)

نتیجتاً یکی از موضوعات مهمی که بعد از ازدواج زوجین ایجاد می‌شود، تعیین محل سکونت مشترک است. و نیز خانواده از زمانی به طور جدی آغاز می‌شود که زوجین زیر یک سقف بروند و زندگی مشترک خود را آغاز کنند. زیرا هدف اصلی نکاح تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر بودن است. سکونت زوجین در منزل مشترک لازمه تحقق این اهداف است.

۲- حق تعیین مسکن توسط زن

حق زوجه بر گردن زوج در این که مسکن او را تأمین کند، مورد اتفاق همه فقهای مسلمان است و جای اختلاف نیست. فقها معتقدند شوهر باید مسکن مناسب در شأن زن و متعارف محل زندگی او تهیه کند و در صورتی که منزل مسکونی موافق شأن زوجه باشد، متابعت در مسکن بر او لازم است؛ در غیر این صورت اگر منزل موافق شأن زن نباشد، وی می‌تواند تمکین نکند و ناشزه محسوب نمی‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۲/۳۲) و نیز در روایات معتبر هم سفارش شده که مرد وظیفه دارد برای ایجاد شرایط زندگی رضایت‌بخش و تأمین هزینه‌های مطلوب و معقول زندگی تلاش نماید و از توسعه در نیازمندی‌های اعضای خانواده استقبال کند.

این عمل موجب نشوز او نخواهد بود، مثلاً بگوید: در خانه‌ای که پدر یا مادر یا خواهر و یا زوجه دیگر مرد سکونت دارد، من زندگی نخواهم کرد، بلکه باید شوهرم برایم خانه اختصاصی تهیه نماید. مستند این حکم از نظر این بزرگان، آیه شریفه «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/۱۹) یعنی «با زنان با نیکی معاشرت نمایید» و نیز «وَ لَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَیْهِنَّ» (طلاق/۶) یعنی «به زنان زیان نرسانید تا زندگی بر آنان تنگ گردد» می‌باشد.

ولی به نظر می‌رسد در این فرع باید به عرف و عادت و شأن زن مراجعه نمود؛ یعنی اگر عرف و عادت و شأن زن با زندگی در منزل مشترک منافات نداشته باشد، در این صورت نمی‌توان چنین حقی را برای زن قائل شد و اگر عرف و عادت بر مسکن اختصاصی است، می‌توان چنین حقی را برایش قائل شد.

۲-۳- خوف ضرر

طبق ماده (۱۱۱۵ ق.م) اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف، ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی باشد، می‌تواند از آن مسکن خارج شده و برای خود مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

گاه تعیین محل سکونت توسط دادگاه است. همانطوری که گفته شد، مبنای فقهی ماده (۱۱۱۵ ق.م) «قاعده لاضرر» است و کارایی قاعده لاضرر نیز تا این اندازه است که حکم اولیه وجوب اطاعت از شوهر را در مورد سکونت در منزل تدارک شده، مرتفع می‌سازد، اما چنین نیست که با رفع حکم الزامی وجوب اطاعت، اختیار تعیین مسکن مطلقاً به دست زن قرار گرفته باشد، بلکه باز هم اختیار تعیین محل منزل مسکونی با شوهر بوده و از وی سلب نمی‌گردد. تنها سکونت

تعیین مسکن از جمله حقوق شوهر است، ولی در مواردی اختیار تعیین مسکن از شوهر گرفته شده که در فقه و قانون مدنی به آن موارد اشاره شده است و ما نیز به طور مختصر به آنها اشاره می‌کنیم:

۲-۱- شرط ضمن عقد

شروط ضمن عقد ازدواج تعهداتی است که حین ازدواج با توافق زن و شوهر وارد مفاد قرارداد ازدواج آن‌ها می‌شود. این شروط را می‌توان در سند رسمی ازدواج ذکر کرده و با امضای دو طرف رسمیت داد. این شروط در قانون ذکر نشده‌اند و به انتخاب طرفین چه در هنگام ازدواج و چه پس از آن تعیین می‌شوند.

بر اساس فقه اسلامی و قانون مدنی ایران، ازدواج قراردادی است که در آن حقوق و تکالیف متفاوتی به زن و مرد داده می‌شود. با امضای سند ازدواج، زن برخی از حقوق مدنی و معنوی خود همچون حق سفر، داشتن شغل، انتخاب محل زندگی و مسکن، ولایت بر فرزندان و جدایی از همسر را از دست می‌دهد و حقوق مادی همچون مهریه و نفقه به دست می‌آورد. معمولاً از شروط ضمن عقد برای تغییر این آثار حقوقی ازدواج استفاده می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۴) در مورد انتقال حق انتخاب مسکن به زن می‌توان این حق را در شروط ضمن عقد درج و به این ترتیب آن را به زن منتقل کرد. این حق به دو صورت به زن منتقل می‌شود: یکی ضمن عقد نکاح و دیگری بعد از عقد. در صورتی که در ضمن عقد شرط شود که اختیار تعیین مسکن با زوجه باشد، این حکم صریحاً در ماده (۱۱۱۴ ق.م) بیان شده و مطابق با حدیث شریف «المؤمنون عند شروطهم» نیز می‌باشد.

۲-۲- رعایت عرفی شأن همسر

بسیاری از فقها را عقیده بر آن است که زن در غیر صورت شرط نیز می‌تواند از اقامت در منزل مشترک خودداری نماید و

در منزل تعیین شده قبلی به علت وجود بیم ضرر بر زن واجب نیست. (طاهری، ۱۴۱۸: ۲۱۴/۳)

بنابراین وقتی زن به علت خوف ضرر از منزل تعیین شده خارج گردید و کار به دادگاه منجر شد، طبق ماده (۱۱۱۶ق.م)، مادام که دادگاه موضوع را فیصله نداده، تعیین محل سکونت زن باید با توافق طرفین انجام گیرد، لذا زوج موظف است منزل دیگری را که از نظر عدم ضرر مالی و شرافتی مورد قبول زوجه باشد، تهیه نموده و در اختیار او قرار دهد و چنانچه به توافق نرسند، محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین و در صورت عدم وجود اقربا، خود رأساً اقدام به تعیین محل سکونت زن خواهد نمود. با توجه به موارد یاد شده می‌توان گفت: اختیار تعیین مسکن هرچند با شوهر است، ولی در مواردی خارج از اختیار شوهر عمل می‌شود.

۳- اقوال مراجع فقهی در حق انتخاب مسکن

از لحاظ دینی و اخلاقی، ایده‌آل آن است که زوجین با همفکری و تصمیم‌گیری مشترک به یک تفاهم برسند و محل زندگی آینده خود را مشخص کنند ولی اگر نتوانستند به نتیجه یکسانی برسند، قانون مدنی تکلیف را روشن کرده است. همچون مواد (۱۰۰۵، ۱۱۱۴ و ۱۱۰۵ق.م). ماده (۱۱۰۵ ق.م) که مبتنی بر آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء و فقه اسلامی است. زوجه بدون این که در مورد انتخاب مسکن شرطی بکند حق ندارد به منزلی که زوج اجاره کرده یا تهیه نموده نرود. (بهجت، ۱۴۲۸: ۳۰/۴) در صورتی که هیچ‌گونه شرطی مبنی بر اختیار سکونت زوجه در ضمن عقد نکاح قید نشده باشد، حق انتخاب مسکن با زوج است (منتظری نجف‌آبادی، بی‌تا: ۳۶۵/۳)

در سؤالی که از مقام معظم رهبری شده، آمده است که اگر زن در زمان عقد نکاح شرط حق سکونت را نکرد و بعد از ازدواج محل سکونتی که مرد برای زندگی در نظر گرفت به

دلایل مخلف از لحاظ روحی و جسمی با روحیه زن سازگار نباشد و زن در عسر و حرج باشد، آیا زن می‌تواند حق تعیین محل سکونت داشته باشد یا همچنان حق سکونت با مرد است؟ فرمودند: «اگر در هنگام عقد شرط سکونت در محل معینی نشده است بر زن واجب است در هر جایی که شوهرش منزلی را برای سکونت انتخاب کرده، سکونت کند» در ادامه سؤال دیگری شده که اگر مرد حق سکونت را به زن داد آیا این حق سکونت به صورت مطلق است؟ یعنی اینکه آیا زن می‌تواند هر جایی را برای زندگی تعیین کند؟ یا اینکه انتخاب محل سکونت در حدی که رفع عسر و حرج شود؟ پاسخ فرمودند: «واگذاری حق صحیح نیست ولی وکالت به زن در انتخاب محل سکونت در حد وکالت اشکال ندارد.»

طبق نظر آیت الله تبریزی، تعیین محل سکونت زن در اختیار شوهر است، مگر اینکه در ضمن عقد زن محل خاصی را برای سکونت شرط کرده باشد که در این صورت شوهر باید به شرط عمل نماید و در صورتی که زن عذری نداشته باشد بر او لازم است نسبت به شوهر تمکین نماید. (تبریزی، بی‌تا: ۳۳۸ /۲)

همچنین گفته شده که اختیار تعیین محل مسکن با شوهر است و هر منزلی را که شوهر انتخاب می‌کند، زوجه موظف به اقامت است. البته این موضوع از حقوق زوج محسوب می‌شود، لذا طرفین می‌توانند در ضمن عقد شرط کنند که اختیار تعیین مسکن با زوجه باشد که در این صورت هر جا که زوجه معین کند زوج باید منزل تهیه نماید. (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۱۰)

نتیجه‌گیری

هدف اصلی نکاح، تشکیل خانواده و در کنار یکدیگر بودن است که لازمه تحقق آن، سکونت زوجین در منزل مشترک است. سکونت و آرامش به عنوان عناصر مهم در زندگی انسان‌ها است.

بنا بر ادله کلی از منابع فقهی و حقوقی، تعیین محل سکونت زن در اختیار شوهر است، مگر اینکه در ضمن عقد زن محل خاصی را برای سکونت شرط کرده باشد که در این صورت مطابق شرط عمل می‌شود. اگر زن از اول در نکاح هیچ شرطی برای سکونت با مرد نگذارد، طبیعتاً زن در چنین شرایطی باید تابع مرد باشد ولیکن اگر مسکن اصلاً باب طبع زن نباشد و خواه از لحاظ محیطی یا غیره در کل شرایط مناسبی نداشته و دائماً زن در آسیب و فشار روحی باشد، در اینجا با وجود چنین شرایطی با در نظر گرفتن اطلاعات عموم ادله این حق یا اراده برای زن وجود دارد که برای خود انتخاب مسکن کند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهام نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده اول و راهنمایی و نظارت بر آن توسط نویسنده دوم و سوم صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که برای نگارش این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸). *استفتائات*، دفتر معظم له. جلد چهارم، قم: بی‌نا.
- رضی، پوریا و رامشی، میثم (۱۳۹۶). «بررسی فقهی و حقوقی لزوم سکونت زوجین در منزل مشترک». *فصلنامه فقه و حقوق خانواده*، ۶۷: ۱۰-۲۲.
- طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸). *حقوق مدنی*. جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: قرارداد- ایقاع*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۴). *حقوق خانواده نکاح و انحلال آن*. چاپ دوازدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (بی‌تا). *کلمه حول فلسفه الاخلاق*. جلد اول، قم: انتشارات در راه حق.
- معین، محمد (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسی*. جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (بی‌تا). *رساله استفتاءات*. جلد سوم، قم.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد سی و دوم، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- 
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی